

تأثیر نحوه‌ی کسب درآمدهای دولت بر رشد اقتصادی

حسین علی یاسین العابدی^۱، مریم امامی میبدی^۲

چکیده

دولت نقش اصلی را در مسیر رشد اقتصادی بر عهده دارد. با توجه به نقش و اهمیت دولت در اقتصاد کلان، نحوه تأمین مالی دولت و سیاست‌های اتخاذی آن دارای جایگاه ویژه‌ای در راستای دستیابی به این هدف است. از طرفی، کشور عراق برخوردار از منابع عظیم نفتی است، درآمدهای حاصل از این منابع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت است. ولی اقتصاد متکی به نفت مشکلاتی چون بیماری هلندی، کم‌توجهی به توانمندی‌ها و مزیت‌های کشور را در پی خواهد داشت. لذا، کاهش تدریجی وابستگی به نفت ضروری است و بهترین جایگزین درآمدی، درآمدهای مالیاتی است. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر سهم درآمد نفتی و درآمد مالیاتی بر رشد اقتصادی کشور عراق و مقایسه سهم درآمد مالیاتی با سهم درآمد نفتی بر رشد اقتصادی کشور عراق است. در این پژوهش برای بررسی اهداف و فرضیات از الگوی خود رگرسیون برداری با وقفه توزیعی در فاصله زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۱ به‌صورت فصلی استفاده شده است. بر اساس نتایج تخمین مدل‌های تحقیق فرضیه اول، دوم و فرضیه سوم تأیید گردید. براین اساس، درآمد نفت و درآمد مالیاتی هر دو دارای اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی عراق داشته‌اند و همچنین در تأیید فرضیه سوم اثر درآمد نفتی بزرگ‌تر از درآمد مالیاتی بوده است که نشان می‌دهد، تأمین مالی دولت عراق بیشتر از طریق درآمد نفتی بوده و نشان‌دهنده متکی بودن اقتصاد این کشور به درآمدهای نفتی است. از طرفی، افزایش درآمد مالیاتی دولت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در بلندمدت برای برنامه‌ریزی بلندمدت در کشور عراق قابل تأمل است.

واژگان کلیدی: درآمد مالیاتی، درآمد نفتی، رشد اقتصادی

طبقه‌بندی JEL: O_{F1} , O_{F19} , H_{17} , H_{27}

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (hhh666983@gmail.com)

^۲ - استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهین شهر، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) (m.emami@shaiu.ac.ir)

۱. مقدمه

ایجاد و پایداری رشد اقتصادی اصلی‌ترین هدف اقتصادی کشورهای درحال توسعه است که با توجه به نقش و اهمیت دولت در اقتصاد کلان، نحوه تأمین مالی دولت و سیاست‌های اتخاذی آن دارای جایگاه ویژه‌ای در راستای دستیابی به این هدف است. فعالیت‌های اقتصادی دولت درعین‌حالی که اهداف اجتماعی را مدنظر دارد بر عملکرد بخش خصوصی تأثیر می‌گذارد. از طرفی، در کشورهای درحال توسعه که حیطه فعالیت دولت به علت ضعف عملکرد بخش خصوصی گسترده است، بودجه دولت و نحوه تأمین آن نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌گذاری اقتصادی بر عهده دارد. در حال حاضر در کشور عراق نقش دولت نسبت به بخش خصوصی برجسته‌تر شده و دولت نقش اصلی را در مسیر رشد اقتصادی بر عهده دارد. دستاوردهای تجربی در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد، که درآمدهای مالیاتی یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی در این کشورها بوده و مالیات نقش قابل توجهی در اعمال سیاست‌های اقتصادی در این کشورها ایفا می‌کند. در مقابل، کشورهای درحال توسعه دارای منابع طبیعی معمولاً نظام مالیاتی ناکارآمد بوده و درآمد مالیاتی قادر به تأمین اهداف مالی دولت نیستند. از آنجایی که کشور عراق برخوردار از منابع عظیم نفتی است، درآمدهای حاصل از این منابع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت است. نکات بسیار مهمی در رابطه با استفاده از درآمدهای نفتی در مقایسه با درآمدهای مالیاتی وجود دارد. درآمدهای نفتی جزء سرمایه‌های کشور است. چنانچه این سرمایه صرف هزینه‌های زودگذر شود عملاً از بین‌حوزه‌ای رفت، اقتصاد متکی به نفت مشکلاتی چون بیماری هلندی، کم‌توجهی به توانمندی‌ها و مزیت‌های کشور را در پی خواهد داشت. همچنین، با توجه به پایان‌پذیری چنین منابعی، در صورتی که وابستگی به درآمدهای نفتی ادامه پیدا کند، با تهی شدن این منابع، مشکلات عدیده‌ای در اقتصاد بروز خواهد کرد، از جمله، وابستگی و تأثیرپذیری اقتصاد داخل از سایر اقتصادها و تشدید بی‌ثبات اقتصادی است و نیز، به دلیل نوسانات درآمدهای نفتی، تعیین میزان کسری بودجه به‌سادگی امکان‌پذیر نیست و در بلندمدت، فروش سرمایه به‌منظور تأمین مخارج جاری و روزمره، عدم رشد ظرفیت‌های اقتصاد داخلی، انتقال شوک‌های مثبت و منفی به‌صورت برون‌زا به اقتصاد کشور، گسترش نامتعارف اندازه‌ی دولت و تضييع حقوق نسل‌های آتی را سبب می‌شود (سپهر دوست و باروتی، ۱۳۹۶).

لذا، کاهش تدریجی وابستگی به نفت ضروری است و بهترین جایگزین درآمدی، درآمدهای مالیاتی است. در مورد تأثیر مالیات‌ها بر متغیرهای کلان دو دیدگاه مطرح است: در دیدگاه اول؛ طرف تقاضای اقتصاد که بر اساس آن مالیات‌ها می‌توانند به‌عنوان عاملی برای ایجاد تعادل در اقتصاد کلان از طریق مدیریت تقاضا، نقش قابل توجهی را ایفا نمایند. سیاست‌های مالیاتی از کانال میل نهایی به مصرف و سرمایه‌گذاری مخارج و سرمایه‌گذاری را متأثر و طرف تقاضای کل جامعه را کنترل می‌نماید؛ اما در دیدگاه دوم؛ طرف عرضه اقتصاد تولید ملی تحت تأثیر عملکرد مالیات‌ها قرار می‌گیرد؛ و معتقد بر اساس منحنی لافر، کاهش مالیات ممکن است، به قدری مؤثر واقع شود که، از طریق افزایش کار و تولید نه تنها تورم را کاهش داده، بلکه درآمدهای مالیاتی نیز افزایش خواهد یافت (بابکی و عفتی، ۱۳۹۹)؛ بنابراین، با توجه به اهمیت نحوه‌ی تأمین درآمد دولت و تأثیر آن بر رشد

اقتصادی در این تحقیق در چارچوب بررسی تأثیر نحوه‌ی کسب درآمدهای دولت بر رشد اقتصادی در کشور عراق فرضیات زیر بررسی شده است:

فرضیه اول: درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشور عراق تأثیر دارد.

فرضیه دوم: درآمد مالیاتی بر رشد اقتصادی کشور عراق تأثیر است.

فرضیه سوم: سهم درآمد مالیاتی نسبت به سهم درآمد نفتی بر رشد اقتصادی کشور عراق چگونه است.

درنهایت، ساختار مقاله ابتدا مبانی نظری و پیشینه تحقیق بیان می‌شود و سپس، الگوی تحقیق و یافته‌های تحقیق و در آخر، نتایج تحقیق تبیین می‌گردد.

۲. مبانی نظری

تأثیر درآمدهای نفتی بر عملکرد اقتصاد کشورهای نفتی در کوتاه‌مدت برطرف تقاضا و در بلندمدت برطرف عرضه است و کلاً به‌صورت رانت در اقتصاد ظاهر می‌شود. در کوتاه‌مدت، افزایش رانت نفت از کانال کاهش نرخ ارز، موجب کاهش قدرت رقابت-پذیری تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی و از دست رفتن بخشی از بازارهای داخلی و صادراتی شده و بخشی از اثرات رونق اقتصادی کوتاه‌مدت را محدود می‌نماید؛ اما در بلندمدت، افزایش رانت منابع نفتی بر عملکرد تولید از مسیر طرف عرضه، از سه کانال؛ عرضه کالا و خدمات عمومی، رانت جویی و اثر تغییر نهادی که خود از مسیر رانت جویی و فرایند فناوری اثر تولیدی خود را برجای می‌گذارد. اثر عرضه کالا و خدمات عمومی به‌صورت افزایش درآمدهای دولت از محل درآمدهای نفتی، سبب افزایش مخارج دولت خواهد شد، این مخارج به‌صورت کلی صرف هزینه‌های مصرفی و عمرانی می‌گردد و به‌طور مستقیم اثر مثبت بر تولید در بلندمدت برجای می‌گذارد. وجود منابع عظیم رانت در دولت رانتهی و تبدیل دولت به کانون تخصیص دهنده و توزیع‌کننده رانت، سبب ایجاد اثر رانت جویی می‌شود. تلاش عوامل رانت جهت بهره‌برداری از فرصت‌های بالقوه کسب منفعت از دولت به‌عنوان منبع عظیم رانت، موجب نفوذ گسترده آنان در دولت و تغییر ساختاری دولت در جهت تأمین منافع فعالیت‌های رانت نامولد نسبت به فعالیت‌های اقتصادی مولد می‌شود. در چنین شرایطی دستیابی به چرخه‌ی رانت، نسبت به کارایی تولید اهمیت بیشتری دارد. درواقع، انگیزه برای کارآفرینی در زمینه‌های تولیدی اقتصاد ضعیف شده و کارآفرینان اقتصادی ترجیح می‌دهند تا با سوءاستفاده از نهادهای ضعیف، رانت بالایی را کسب نمایند و از فعالیت‌های تولیدی که درآمد نسبی کمتری خواهند داشت، خارج گردند؛ اما اثر تغییر نهادی به این صورت است که افزایش رانت نفت سبب تقویت تلاش‌های گروه‌های رانت جو جهت گسترش نفوذ و بهره‌برداری از منابع رانت شده و درنهایت، به تضعیف ساختار نهادی و کاهش کیفیت آن خواهد گردید (صامتی و همکاران، ۱۳۹۸).

بروک^۱ (۲۰۰۱)، در مطالعه‌ی خود، مکانیسم‌های اثرگذاری منابع طبیعی بر رشد اقتصادی را به صورت؛ (۱) کاهش بلندمدت در رابطه‌ی مبادله، (۲) نوسان درآمدها، (۳) بیماری هلندی، (۴) اثر جایگزینی (جبرانی) و (۴) افزایش مداخله‌ی دولت در اقتصاد بیان می‌کند (برقی اسکویی و همکاران، ۱۳۹۹).

از طرف دیگر، هابارد^۲ (۲۰۰۷)، چهار بستر و مکانیسم اصلی را برای اثرگذاری منابع طبیعی و از جمله درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی در ادبیات علم اقتصاد شناسایی و پیشنهاد کرده است که عبارت است از؛ (۱) بیماری هلندی و سرمایه‌ی خارجی، (۲) رانت جویی و فساد مالی، (۳) آموزش و سرمایه‌ی انسانی و (۴) پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و سرمایه‌ی فیزیکی است (پورسرائی و همکاران، ۱۴۰۰).

اما تأثیرات مالیات‌ها بر رشد اقتصادی از طریق سه طریق است؛ (۱) اثر بر تصمیمات تخصیصی بنگاه‌ها، (۲) اثر بر انباشت عوامل تولید و (۳) تأثیرات مالیات بر سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه (R&D) هست. در بخش اثر بر تصمیمات تخصیصی بنگاه‌ها، عملکرد مالیات‌ها، بسیاری از بنگاه‌ها در تصمیمات تخصیصی خود ناچار به تجدیدنظر شده و با بروز انحراف در تصمیمات تخصیصی بنگاه‌ها حتماً زیان خالصی در رفاه اجتماعی ایجاد می‌گردد. بدین شکل که اگر تابع تولید کل اقتصاد به فرم کاپ داگلاس باشد، با برقراری مالیات بر درآمد افراد، درآمد خالص از مالیات برابر است با؛

$$Y = (1 - t)A_t K_t^a L_t^{1-a} \quad (1)$$

باوجود مالیات بر درآمد، نرخ بازدهی سرمایه نیز برابر است با؛

$$r_t = (1 - t)aA_t \left(\frac{K_t}{L_t}\right)^{a-1} \quad (2)$$

بنابراین، باوجود مالیات بر درآمد، بازدهی نهایی سرمایه را کاهش و انگیزه انباشت سرمایه در میان افراد و نیز رشد اقتصادی متأثر می‌شود.

اما، تأثیر مالیات‌ها در رشد اقتصادی از بخش اثر بر انباشت عوامل تولید، بدین صورت است که، افزایش در مالیات منجر به کاهش پس‌انداز و سپس، کاهش انگیزه انباشت سرمایه فیزیکی (K) می‌شود. البته، عامل سرمایه انسانی (H) در این بخش حائز اهمیت است. به طوری که اگر در تولید سرمایه انسانی تنها وابسته به سرمایه انسانی باشد^۳، کاهش در میزان سرمایه فیزیکی به طور کامل، از طریق افزایش در میزان سرمایه انسانی جبران شده و در نهایت، اقتصاد به وضعیت پیش از اخذ مالیات برگشته و افزایش در مالیات بر رشد اقتصادی تأثیری نداشته است؛

$$T \uparrow \rightarrow K \downarrow \rightarrow H \uparrow \Rightarrow gr = 0$$

^۱-Brooks

^۲- Hubbard

^۳ - البته اینکه سرمایه انسانی تا چه حد بتواند کاهش صورت گرفته را جبران نماید، بستگی به شکل تکنولوژی دارد (در این بحث تکنولوژی ثابت فرض شده است).

حال اگر در تولید ترکیبی از سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی به‌طور هم‌زمان مدنظر باشد؛ در این شرایط با کاهش سطح سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی قادر نخواهد بود، به‌طور کامل کاهش آن را جبران نماید و در نتیجه، رشد اقتصادی برابر کاهش سرمایه فیزیکی، کاهش خواهد یافت.

$$T \uparrow \rightarrow K \downarrow \rightarrow H \uparrow \Rightarrow gr < \cdot$$

در مورد، تأثیرات مالیات بر سرمایه‌گذاری در فعالیتهای تحقیق و توسعه (R&D)، عملکرد مالیات‌ها به‌صورت معافیت مالیاتی برای بخش‌های اقتصادی مولد بروز می‌نماید. البته، معافیت مالیاتی به دو شکل نمایان می‌شود؛ در شکل اول؛ اگر معافیت مالیات منجر به رشد سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد شود، در بلندمدت می‌تواند، انتظار افزایش رشد اقتصادی را داشت، اما در شکل - دوم، اگر معافیت مالیاتی به اهداف رانت‌جویانه اختصاص یابد، سبب انحراف در تخصیص صحیح منابع در اقتصاد شده و در بلندمدت آثار منفی بر رشد اقتصادی دارد (دی سانزو و همکاران^۱، ۲۰۱۷).

۳. پیشینه پژوهش

در ابتدا مطالعات خارجی و سپس مطالعات داخلی را بیان کرده و در تکمیل بحث نوآوری تحقیق مزبور نسبت به سایر تحقیقات انجام‌شده، به‌صورت اجمالی بیان شده است.

کلر^۲ (۲۰۲۲)، به بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر مالیات بر درآمدهای غیرنفتی در کشورهای صادرکننده نفت با استفاده از روش کنترل مصنوعی پرداخته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که سرانه مالیات بر درآمدهای غیرنفتی در کشورهای صادرکننده نفت به‌طور متوسط ۱۴ درصد کمتر است. البته، در کشورهای صادرکننده نفت با سطح کیفی نهادی پایین که به شدت وابسته نفت هستند، استفاده از ابزارهای مالیاتی را به‌جای ابزارهای غیر مالیاتی ترجیح می‌دهند و نیز پویایی اثر در کشورهای دارای بخش نفت دولتی در مقایسه با بخش نفت خصوصی متفاوت است.

اومادرو و آلگو^۳ (۲۰۲۱)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر منابع نفت خام و درآمد مالیاتی بر توسعه اقتصادی نیجریه از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ با استفاده از روش رگرسیون چندگانه پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که درآمد نفت خام در تأثیرگذاری بر توسعه نیجریه ناچیز بوده و به‌طور مساوی، نرخ ارز و تورم هر دو دارای تأثیر منفی قابل توجهی بر توسعه این کشور داشته‌اند. در مقابل، درآمد مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه داشته است.

لیودمیل^۴ (۲۰۲۱)، به بررسی علل بحران اقتصادی در عراق با توجه به وابستگی شدید اقتصاد عراق به نفت پرداخته است. کشور عراق ششمین تولیدکننده نفت خام و سومین صادرکننده سوخت مایع است؛ اما کشور عراق در میان کشورهای با درآمد متوسط یکی از کشورهای دارای نرخ فقر بالا هست. نوسانات شدید در قیمت جهانی نفت و در نتیجه کاهش درآمدهای نفتی نیاز به تنوع اقتصادی و اصلاحات ساختاری به‌منظور کاهش چشمگیر وابستگی اقتصاد عراق به نفت را بیان می‌نماید؛ بنابراین، بهتر است این

^۱- Di Sanzo et al

^۲.Keller

^۳.Omodero.and.Alege

^۴.Ljudmila

کشور جایگزین مناسب برای درآمدهای نفتی یافته و در این راستا توجه به صنایع غیرنفتی در بخش خصوصی (از جمله؛ کشاورزی و صنایع غذایی)، اصلاحات تجارت خارجی، بهبود فضای سرمایه‌گذاری در چارچوب قانونی و نظارتی برای روابط اقتصادی خارجی، همکاری تجاری و سرمایه‌گذاری بین روسیه و عراق و خصوصاً توجه به کسب درآمد از بخش درآمدهای مالیاتی مدنظر قرار گیرد.

الطایی بوشراوهمکاران^۱ (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای به بررسی نقش مالیات بندرگاهی بر توسعه درآمدهای مالیاتی و بازتاب آن بر درآمد عمومی در عراق بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق معرف آن بوده که اهمیت تحلیل ساختار درآمدهای عمومی با مالیات بندرگاهی ارتباط داشته و در سال ۲۰۰۳ با تغییر رژیم از اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد بازار تبدیل شده و نرخ درآمد مالیاتی رشد کرده است.

جعفری و همکاران (۱۴۰۱)، در یک مطالعه اثر جایگزینی درآمد نفت با مالیات بر رفاه طول عمر با تأکید بر نقش نهادهای حاکمیتی (الگوی نسل‌های هم‌پوشان) با استفاده از روش حداقل مربعات پویا طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۶ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق معرف آن است که رابطه‌ای به شکل U معکوس بین سهم درآمد نفت از تولید با شاخص‌های نهادی و رابطه مستقیم بین سهم درآمد مالیات از تولید وجود داشته و نیز اثر شاخص‌های نهادی بر رفاه طول عمر اثر معناداری را نشان نداده است.

سلمانی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت بدهی‌های دولت بر رشد اقتصادی در ایران را برای سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۲ با استفاده از روش خود رگرسیون با توزیع وقفه بررسی نموده‌اند. نتایج نشان داد، نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص ملی بر رشد اقتصادی ایران تأثیر منفی دارد. این تأثیر در الگوی رشد اقتصادی مبتنی بر درآمدهای نفتی نسبت به الگوی رشد مبتنی بر تولید ناخالص ملی غیرنفتی و همچنین در بلندمدت نسبت به کوتاه‌مدت بیشتر است. از دیگر نتایج این مطالعه می‌توان به اهمیت قابل توجه سرمایه‌ی فیزیکی در هر دو الگوی رشد اقتصادی مبتنی بر تولید ناخالص ملی نفتی و غیرنفتی و اهمیت سرمایه‌ی انسانی فقط در الگوی رشد مبتنی بر تولید ناخالص ملی غیرنفتی اشاره کرد.

درنهایت، با توجه به اهمیت نحوه کسب درآمد دولت بر متغیرهای اقتصادی و این‌که بیشتر این مطالعات در کشورهای صادرکننده کننده نفت به صورت صرفاً تمرکز بر آثار درآمدهای نفتی بوده و نیز فقدان مطالعه منسجم در کشور عراق در این تحقیق سعی شده است، به بررسی هم‌زمان درآمدهای نفتی و مالیاتی بر رشد اقتصادی در کشور عراق پرداخته شود.

۴. روش تحقیق

در این مطالعه برای دستیابی به اهداف تحقیق، مطابق مطالعه‌ی کامفورت اومولایو^۲ (۲۰۲۱)، از مدل رشد بارو^۳ (۱۹۹۰) که بر اساس اهداف تعدیل‌شده است، استفاده شده است. در مدل رشد بارو تابع تولید کشور به گونه‌ای است که علاوه بر متغیرهای

^۱ Al-taie.Bushra.

^۲ Comfort Omolayo et al

^۳ - Barro

معمول سرمایه و نیروی کار مبحث هزینه‌های دولت نیز مطرح است. در مدل بارو (۱۹۹۰) مخارج عمومی دولت جنبه مولد دارند و صرف نهاده‌های عمومی می‌شوند. در این مطالعه برای بررسی تأثیر نحوه‌ی کسب درآمدهای دولت بر رشد اقتصاد عراق، از دو نسبت درآمدهای مالیاتی به مخارج دولت و نسبت درآمدهای نفتی به مخارج دولت در تابع تولید کل کشور استفاده می‌شود. بنابراین، تابع تولید کل کشور تابعی از: سرمایه (K)، نیروی کار (L)، نسبت درآمدهای مالیاتی به مخارج دولت (G_T) و نسبت درآمدهای نفتی به مخارج دولت (G_O) است:

$$Y = F(K, L, G_T, G_O) \quad (۳)$$

این تابع همگن از درجه یک است و تولید نهایی مخارج دولت مثبت در نظر گرفته شده، کل هزینه‌های دولت از طریق مالیات و درآمد نفتی تأمین می‌شود.

$$G = G_T + G_O \quad (۴)$$

مطابق قانون بارو، وجود دولت بهینه بدان معنا است که تولید نهایی مخارج عمومی برابر واحد باشد؛ بنابراین، یک واحد (بر حسب واحد پول) افزایش در مخارج دولت، سبب افزایش یک واحد در ارزش محصول می‌شود.

$$\frac{G}{G} = \frac{TAX}{G} + \frac{OIL}{G} = ۱ \quad (۵)$$

با توجه به رابطه‌ی (۳)، تولید نهایی مخارج دولت از منبع تأمین مالی بدین شرح است؛

$$MP_\alpha = \frac{\partial Y}{\partial G_T} = \frac{\partial F}{\partial G_T} \quad (۶)$$

$$MP_\beta = \frac{\partial Y}{\partial G_O} = \frac{\partial F}{\partial G_O} \quad (۷)$$

$$MP_\alpha + MP_\beta = \frac{\partial Y}{\partial G_T} + \frac{\partial Y}{\partial G_O} = \frac{\partial F}{\partial G_T} + \frac{\partial F}{\partial G_O} \quad (۸)$$

MP_α ؛ تولید نهایی مخارج دولت که با مالیات تأمین مالی شده، MP_β ؛ تولید نهایی مخارج دولت که با درآمد نفت تأمین مالی شده است. از طرف دیگر:

$$\frac{\partial Y}{\partial t} = \frac{\partial F}{\partial K} \frac{\partial K}{\partial t} + \frac{\partial F}{\partial L} \frac{\partial L}{\partial t} + \frac{\partial F}{\partial G_T} \frac{\partial G_T}{\partial t} + \frac{\partial F}{\partial G_O} \frac{\partial G_O}{\partial t} \quad (۹)$$

$$Y = \frac{\partial F}{\partial K} K + \frac{\partial F}{\partial L} L + \frac{\partial F}{\partial G_T} g_T + \frac{\partial F}{\partial G_O} g_O \quad (۱۰)$$

$$\frac{Y}{Y} = \frac{\partial F}{\partial K} \frac{K}{Y} + \frac{\partial F}{\partial L} \frac{L}{Y} + \frac{\partial F}{\partial G_T} \frac{g_T}{Y} + \frac{\partial F}{\partial G_O} \frac{g_O}{Y} \quad (۱۱)$$

سپس؛ داریم:

$$\frac{Y}{Y} = MP_K \frac{K}{Y} + MP_L \frac{L}{Y} + MP_\alpha \frac{g_T}{Y} + \quad (۱۲)$$

$$MP_\beta \left(\frac{g_O}{Y} \right)$$

که در آن؛ (MPK)؛ تولید نهایی سرمایه، (MP_L)؛ تولید نهایی نیروی کار، ($\frac{K}{Y}$)؛ نسبت سرمایه به تولید، ($\frac{L}{Y}$)؛ نسبت نیروی کار به-تولید، ($\frac{gT}{Y}$)؛ نسبت مخارج دولت تامین مالی شده با مالیات و ($\frac{gO}{Y}$)؛ نسبت مخارج دولت تامین مالی شده با درآمد نفتی است [۴] (Barro, ۱۹۹۰).

با توجه به رابطه‌ی (۱۲)، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از رابطه‌ی (۱۳) تخمین زده شده است:

$$LGDP_{t-n} = \alpha_1 + \beta_1 LK_{t-n} + \beta_2 LLF_{t-n} + \beta_3 LTAX_{t-n} + \beta_4 LOIL_{t-n} + \beta_5 DUM_{t-n} + U_t \quad (13)$$

که در این رابطه؛

LGDP: لگاریتم تولید ناخالص داخلی، LK: لگاریتم حجم سرمایه، LLF: لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی (نیروی کار)، LOIL: لگاریتم نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی، LTAX: لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی، DUM: متغیر مجازی حضور داعش در عراق (در فاصله‌ی زمانی فصل پاییز ۲۰۱۴ تا پاییز ۲۰۱۷) است. رابطه‌ی (۱۳)، از روش ARDL با استفاده از داده‌های فصلی بین سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۲۱ تخمین زده شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

قبل از تخمین مدل لازم است، جهت جلوگیری از مشکل رگرسیون کاذب بررسی مانایی متغیرهای تحقیق صورت پذیرد. بر این اساس، به لحاظ استفاده از داده‌های فصلی برای بررسی مانایی داده‌های تحقیق از آزمون هایلبرگ، انگل، گرنجر، یو (HEGY) استفاده شده است.

جدول ۱، نتایج آزمون هگی و مانایی متغیرها

نام متغیر	نشانه متغیر	مقادیر بحرانی ۰/۰۵	P value	نتیجه
رشد اقتصادی	LGDP	۲۳/۱۴	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
لگاریتم حجم سرمایه	LK	۱۹/۰۲	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی	LLF	۳۱/۰۷	۰/۰۸۴	نامانا در سطح
لگاریتم نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی	LOIL	۲۰/۳۶	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی	LTAX	-۱/۱۶۶	۰/۶۸۱	نامانا در سطح

مأخذ: محاسبات پژوهش

با توجه به جدول (۱)، متغیر لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی و لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی مانا در سطح نمی‌باشند و با توجه به مبانی تئوریک از روش ARDL تخمین زده می‌شوند. با توجه به این که حتماً باید در تخمین مدل تحقیق فروض کلاسیک مدنظر قرار گیرد تا نتایج تحقیق برای تفسیر فرضیه‌های تحقیق قابل استناد باشد. بر این اساس، ابتدا، در جدول (۲)، نتایج تخمین مدل کوتاه‌مدت با آزمون‌های تشخیصی بیان شده، سپس، در مرحله بعد با تفسیر روابط متغیرهای تحقیق در تکمیل تفسیر فرضیات بیان شده است.

۵-۱. برآورد مدل‌های کوتاه‌مدت تحقیق

باتوجه به نتایج جدول (۲)، آزمون‌های تشخیصی (عدم خودهمبستگی، شکل تبعی صحیح، نرمال بودن خطای پسماند و واریانس ناهمسانی) برقراری فروض کلاسیک تأیید و نیز باوجود ضریب تعیین ۹۳ درصد و آماره F قدرت توضیح‌دهندگی بالای مدل تأیید می‌شود.

از طرفی، به لحاظ کمتر بودن مشاهدات تحقیق از ۱۰۰ مشاهده از معیار شوازر- بیزین برای تعیین وقفه‌های بهینه مدل استفاده شده که تعداد وقفه‌های بهینه متغیرهای تحقیق برابر با $ARDL(3,1,2,3,1)$ است. میزان معنی‌دار بودن ضرایب در جدول (۲)، کاملاً تفسیر شده است.

با توجه به نتایج جدول (۲)، رشد اقتصادی تا یک دوره تحت تأثیر وقفه‌های رشد اقتصادی کشور عراق است و سایر وقفه‌ها بر اساس بی‌معنا شدن وقفه دوم قابل تفسیر نیست. براین اساس، ۱ درصد رشد اقتصادی کشور عراق زمینه ۱/۱۷ درصد رشد اقتصادی در فصل بعد را فراهم می‌نماید.

ضریب متغیر لگاریتم حجم سرمایه در سطح معنادار بوده و علامت آن موافق نظریه شده است. یک درصد افزایش لگاریتم حجم سرمایه در سال جاری ۰/۰۷ درصد و با یک فصل وقفه ۰/۰۶ درصد موجب بهبود رشد اقتصادی می‌شود.

جدول (۲) نتایج برآورد مدل کوتاه‌مدت تحقیق

متغیرها	ضریب	سطح معنی‌داری	متغیرها	ضریب	سطح معنی‌داری
LGDP(-۱)	۱/۱۱۷(۱۲/۷۴)	معنی‌دار است	LOIL	۰/۳۷(۱۳/۱۷)	معنی‌دار است
LGDP(-۲)	-۰/۱۵(-۱/۳۶)	بی‌معنی است	LOIL(-۱)	۰/۴۳(۶/۶۳)	معنی‌دار است
LGDP(-۳)	-۰/۲۴(-۳/۲۰)	معنی‌دار است	LOIL(-۲)	۰/۰۸۵(۱/۳۴)	بی‌معنی است
LK	۰/۰۷(۳/۱۲)	معنی‌دار است	LOIL(-۳)	۰/۰۹۳(۲/۲۳)	معنی‌دار است
LK(-۱)	۰/۰۶(۲/۶۳)	بی‌معنی است	LTAX	۰/۱۶(۵/۱۷)	معنی‌دار است
LIF	۲/۱۴(۸/۶۳)	معنی‌دار است	LTAX(-۱)	۰/۱۴(۴/۵۰)	معنی‌دار است
LIF(-۱)	-۲/۸۴(-۵/۸۲)	معنی‌دار است	DUM	-۰/۰۱۳(-۲/۸۰)	معنی‌دار است
LIF(-۲)	۰/۷۸(۰/۳۱)	معنی‌دار است	C	۰/۰۱۹(۰/۰۲۵)	بی‌معنی است

$R^2=0/99$ $D.W=1/94$ $F(prob)=3318/5(0/000)$ $Normality=1/45(0/68)$ $Functional Form=0/62(0/45)$
 $Serial correlation LM=0/253(0/62)$ $Heteroscedasticity=6/17(0/36)$ $ARDL(3,1,2,3,1)$

مأخذ: محاسبات محقق - مقادیر داخل پرانتز معرف آماره t است.

متغیر لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی معنی‌دار و علامت آن موافق نظریه است؛ بنابراین، یک درصد افزایش لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی دارای اثر قابل توجه و برابر ۲/۱۴ درصد بر رشد اقتصادی کشور عراق است که نشان‌دهنده کاربرد بودن تولید و عدم به- کارگیری فناوری‌های پیشرفته در بخش‌های صنعت و کشاورزی در این کشور هست. وقفه متغیر لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی دارای علامت مخالف با سطح به‌دست آمده است و از این رو قابل تفسیر نیست.

در جدول (۲)، برای متغیر لگاریتم نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی ۳ وقفه در نظر گرفته است که نشان‌دهنده اثر بلندمدت این متغیر بر رشد اقتصادی کشور عراق می‌باشد. براین اساس، افزایش لگاریتم نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی به اندازه یک درصد موجب تحریک در جهت مثبت رشد اقتصادی عراق در فصل جاری برابر ۰/۳۷ درصد، با یک فصل وقفه به اندازه ۰/۴۳

درصد، در فصل سوم برابر ۰/۰۸۵ درصد و در وقفه چهارم برابر ۰/۰۹۳ درصد می‌شود. این اثر در فصل دوم نسبت به فصل اول تقویت شده است اما در فصل‌های دوم و سوم میزان اثرگذاری کاهش یافته است.

اما اثر متغیر لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی بر رشد اقتصادی مثبت، موافق مبانی نظری و تا دو وقفه معنی‌دار است. یک درصد افزایش لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در فصل جاری سبب افزایش رشد اقتصادی عراق به اندازه ۰/۱۶ درصد و در وقفه دوم به اندازه ۰/۱۴ درصد می‌شود. در این برآورد عرض از مبدأ معنادار نشده است.

۲-۵. برآورد مدل‌های بلندمدت تحقیق

باتوجه به نتایج آماره‌ی F در آزمون کرانه‌ها در مدل تحقیق که برابر با ۹/۹۰۸ که بیشتر از حد بالای تخمین است؛ بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن ضرایب بلندمدت تحقیق رد شده و می‌توان برای مدل تحقیق تخمین بلندمدت محاسبه نمود. نتایج اثرات بلندمدت مدل تحقیق در جدول (۳) بیان شده است. در جدول (۳)، نتایج رابطه بلندمدت مربوط به نتایج پژوهش حاکی از آن است که در بلندمدت، اگر یک درصد لگاریتم نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی افزایش یابد، رشد اقتصادی به میزان ۰/۵۵ درصد افزایش خواهد یافت. به همین ترتیب، با افزایش یک درصدی لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی و لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی رشد اقتصادی در بلندمدت به ترتیب؛ ۰/۴۱ درصد، ۰/۰۹ درصد افزایش می‌یابد، این اثرگذاری‌ها مثبت و معنی‌دار خواهند بود، زیرا $\text{Prob} < 0/05$ می‌باشند. همچنین اثر حمله داعش به عنوان متغیر دامی در بلندمدت نیز اثر منفی خود بر رشد اقتصادی را حفظ کرده است.

جدول (۳) نتایج اثرات بلندمدت مدل تحقیق

متغیر	ضریب	سطح اطمینان
LK	۰/۰۴۲(۰/۱۱۲)	بی‌معنی است
LLF	۰/۴۱(۲/۰۸۱)	معنی‌دار است
LOIL	۰/۵۵(۱۶/۰۳۴)	معنی‌دار است
LTAX	۰/۰۹۵(۴/۳۷۱)	معنی‌دار است
DUM	-۰/۰۵۸(-۲/۸۵۳)	معنی‌دار است
C	۰/۰۸۸(۳/۵۱۶)	بی‌معنی است

مأخذ: محاسبات پژوهش - مقادیر داخل پرانتز معرف آماره‌ی t است.

اما مطابق با نتایج پژوهش متغیر لگاریتم حجم سرمایه در بلندمدت تأثیری بر رشد اقتصادی عراق نخواهد داشت، چون Prob مربوط به این عامل بالای ۰/۰۵ است. عدم معنی‌داری این عامل ممکن است، به خاطر وابستگی این متغیر به درآمد نفتی باشد.

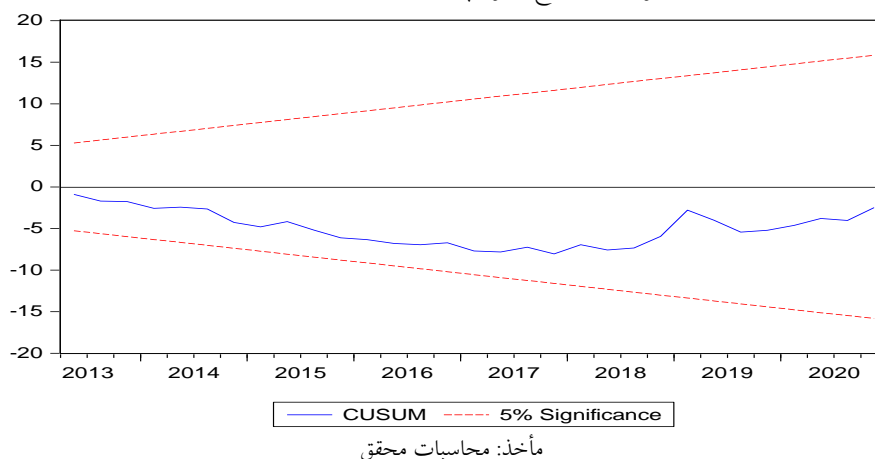
۳-۵. برآورد الگوی تصحیح خطا مدل تحقیق

پس از بررسی روابط بلندمدت متغیرهای تحقیق، به بررسی سرعت تعدیل از الگوی تصحیح خطا (ECM) پرداخته شده و با توجه به این که ضرایب تصحیح خطا معنی‌دار، منفی، کوچک‌تر از یک بودند، قدر مطلق ضریب تصحیح خطا معرف وجود رابطه بلندمدت و معنی‌دار بین متغیرهای مدل تحقیق است. در آزمون همگرایی، ضریب تصحیح خطا $(ECM(-1))$ ، برابر -0.22 است که نشان می‌دهد شکاف بین کوتاه‌مدت و بلندمدت همگرا بوده و در هر دوره به اندازه ۲۲ درصد و به صورت نمایی تعدیل خواهد شد.

۴-۵. برآورد الگوی پایداری ساختاری مدل تحقیق

پایداری ضرایب با آزمون CUSUM بررسی می‌شود که نتایج آزمون معرف آن است که ضرایب مدل برآورد شده طی دوره مورد بررسی پایدار است. همانطور که، نتایج تخمین و نمودارهای پسماند تجمعی و مجذور در نمودار (۱)، نشان می‌دهند، فاصله اعتماد ۹۵ درصد توسط نمودارهای قطع نشده است؛ بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر وجود ثبات ساختاری پذیرفته و وجود عدم آن رد می‌شود.

نمودار (۱)، نتایج آزمون پایداری ساختاری مدل تحقیق



۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اگرچه رسیدن به رشد اقتصادی از اهداف اولیه سیاست‌گذاران اقتصادی در هر کشوری است؛ اما اغلب در کشورهای نفتی برای رسیدن به این هدف اتکای بودجه درآمدهای نفتی در مقابل درآمدهای مالیاتی با مشکلات زیادی روبرو می‌کند. درآمد نفتی به عنوان منبع اصلی تأمین مالی بودجه دولت در کشورهای صادرکننده نفت، پیامدهای خاصی برای اقتصاد این کشورها دارد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها ناپایداری درآمدها و کاهش یا افزایش زیاد آن است. به طوری که افزایش درآمدهای نفتی نیز برای کشورهای متکی

به درآمدهای نفتی گاه حتی بیش از کاهش درآمد، اثرات بحرانی (بیماری هلندی) داشته است. با توجه به اثرگذار بودن نوسانات قیمت و درآمدهای نفتی بر متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل؛ مخارج دولت، تولید، نقدینگی، تورم، نرخ ارز و واردات، بزرگ‌ترین چالش این کشورها وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی است، لذا، در چنین شرایطی، عملاً امکان استفاده از سیاست‌های مالیاتی برای ایجاد ثبات اقتصادی وجود ندارد و راهکار اصلی برون‌رفت از این چالش کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی و جایگزین کردن درآمدهای مالیاتی از طریق اصلاح ساختار مالیاتی هست؛ بنابراین، ارزیابی میزان وابستگی بودجه کشور عراق به درآمد نفتی و بررسی اثر سهم هرکدام از منابع درآمدی در تأمین مالی این دولت بر روی رشد اقتصادی عراق دارای اهمیت است؛ و نتایج این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران اقتصادی کشور عراق روشنگر باشد. در این مطالعه برای دستیابی به اهداف ذکرشده، از مدل رشد بارو (۱۹۹۰) که بر اساس اهداف تعدیل‌شده، استفاده‌شده و با روش خودرگرسیون برداری با وقف توزیعی (ARDL) در فاصله زمانی ۲۰۰۸-۲۰۲۱ به صورت تخمین‌زده شده است.

مطابق نتایج تخمین بلندمدت مدل تحقیق تأثیر لگاریتم نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی بر رشد اقتصادی کشور عراق تا سه وقفه بر روی رشد اقتصادی اثر مثبت گذاشته است که حاکی از اثر نسبتاً طولانی درآمد نفتی بر رشد اقتصادی است؛ بنابراین، لگاریتم نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی دارای اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی عراق است و فرضیه اول، مبنی بر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشور عراق تأثیر دارد، تأیید شده و نتیجه حاصل از پژوهش با نتایج جعفری و همکاران (۱۴۰۱)، اومادرو و آلگو (۲۰۲۱)، دی سانزو و همکاران (۲۰۱۷) و لیوومیللا (۲۰۲۱) هم‌خوانی دارد.

اما لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی با رشد اقتصادی کشور عراق مثبت و موافق مبانی نظری و تا دو وقفه معنی‌دار است. در نتیجه، لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی دارای اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی عراق است و فرضیه دوم، مبنی بر درآمد مالیاتی بر رشد اقتصادی کشور عراق تأثیر دارد، تأیید شده و نتیجه حاصل از پژوهش با مطالعات اومادرو و آلگو (۲۰۲۱)، پورسرائی و همکاران (۱۴۰۰)، صامتی و همکاران (۱۳۹۸) و الطایی‌بوشراوهمکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

در مورد، فرضیه سوم، مبنی بر سهم درآمد مالیاتی نسبت به سهم درآمد نفتی بر رشد اقتصادی کشور عراق چگونه است، بر اساس نتایج پژوهش تأیید شد که سهم درآمد نفتی در رشد اقتصادی کشور عراق بیشتر از درآمد مالیاتی دولت بوده است. در نتیجه تأمین مالی دولت عراق بیشتر از طریق درآمد نفتی بوده و نشان‌دهنده متکی بودن اقتصاد این کشور به درآمدهای نفتی هست. نتیجه حاصل از پژوهش با نتایج تحقیقات بابکی و عفتی (۱۳۹۹)، اومادرو و آلگو (۲۰۲۱)، جعفری و همکاران (۱۴۰۱) و پورسرائی و همکاران (۱۴۰۰) هم‌خوانی دارد. تنوع‌بخشی به درآمدهای دولت با تکیه بر درآمد مالیاتی، زیرا یک ساختار درآمدی متعادل به

کاهش زیان‌های ناشی از تغییرات اقتصادی و یا غیراقتصادی مربوط به داشتن یک درآمد عمده کمک می‌کند و از وابستگی مالی سطوح بالای درآمد می‌کاهد.

یکی از پیامدهای مهم وابستگی درآمدهای مالیاتی به درآمدهای نفتی آن است که میزان اثربخشی سیاست‌های مالی دولت تحت تأثیر قرار می‌گیرد، لذا سیاست‌گذاران باید به هنگام اعمال سیاست‌های خود با مطالعات دقیق و علمی میزان تغییرات در درآمدهای نفتی و عکس‌العمل درآمدهای مالیات را نسبت به این تغییرات مدنظر قرار دهند. سهم واقعی درآمدهای نفتی در کل درآمدهای دولت بیش از سهم مستقیم این درآمدها است. به‌عبارت‌دیگر بخش از درآمدهای مالیاتی دولت به سبب وجود درآمدهای نفتی به وجود می‌آید که باید در سیاست‌گذاری‌ها مدنظر قرار گیرد. بنابراین، با توجه به سهم کم درآمدهای مالیاتی و با توجه به نیاز به تأمین مالی دولت هنگام کاهش درآمدهای نفتی، لازم است راهکارهای مناسب برای جلوگیری از فشار مالیاتی بیشتر به مالیات‌دهندگان اندیشیده شود. بر این اساس، پیشنهاد می‌گردد؛

۱- ایجاد یک نظام مالیاتی مناسب و کارآمد برای بهبود توزیع درآمد به گونه‌ای که تمام اقشار جامعه متناسب با توان مالی خود زیر پوشش مالیات قرار بگیرند و این اطمینان به مردم داده شود که چارچوب قوانین مالیاتی برای همه در نظر گرفته شده و اجرا می‌شود و هیچ تبعیضی بین افراد جامعه وجود ندارد. در این صورت، مردم خودشان را مطیع قانون دانسته و امکان تقلب و فرار از مالیات کاهش می‌یابد.

۲- گسترش فرهنگ مالیات در سطح جامعه و شناختن اهمیت آن در توزیع درآمد و ایجاد عدالت اجتماعی و به وجود آمدن این باور عمومی که درآمدهای مالیاتی در نهایت از راه‌های گوناگون از جمله ثبات و امنیت و رفاه اجتماعی، احداث مراکز درمانی و کارهای عمرانی و زیربنایی به خود مردم برگشته و از مزایای آن برخوردار خواهند شد.

۳- به کاربرد درآمدهای نفتی در جریان سرمایه‌گذاری و فراهم کردن زمینه اشتغال و توانمندسازی بخش‌های مولد و زودبازده کشور.

فهرست منابع

- بابکی، روح‌الله، عفتی، مهناز (۱۳۹۱). تأثیر ساختار مالیات بر رشد اقتصادی. مقاله پژوهشی مالیاتی. ۵۴(۱۰۲). ۵۴-۲۹.
- برقی اسکویی، محمدمهدی، متفکر زاد، محمدعلی. سلمانی بی‌شک محمدرضا و شکری، مصطفی (۱۳۹۹). بررسی اثر متقابل مالیات شرکت‌ها و عدم قطعیت نرخ ارزبر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران: رویکرد فازی، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال ۸(۳۱). ۴۳-۷۵.

جعفری، مولود. سامتی، مرتضی. رجبی، مصطفی و قبادی، سارا (۱۴۰۱). تأثیر جایگزینی مالیات بر درآمد نفتی بر طول عمر با تأکید بر نقش نهادهای حاکمیتی (مدل نسل‌های همپوشانی). فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد. ۹(۱). ۱۴۵-۱۷۴.

پورسرای، خیرالله محمد. حاجی، غلامعلی و فطرس، محمدحسن (۱۴۰۰). بررسی تأثیر نااطمینانی‌های نرخ ارز و تورم بر درآمدهای مالیاتی ایران. مجله پژوهشنامه مالیاتی. ۲۹(۵۲). ۱۰۹-۱۱۳.

سپهردوست، حمید و باروتی، مهسا (۱۳۹۶). بررسی اثر تورمی تانزی بر عملکرد نظام مالیاتی در ایران. نشریه پژوهش‌های اقتصادی ایران. ۲۲(۷۲). ۱-۴۰.

سلمانی، یونس. یآوری، کاظم. سبحانی، بهرام و اصغریور، حسین (۱۳۹۵). اثرات کوتاه مدت و بلندمدت بدهی‌های دولت بر رشد اقتصادی در ایران. مطالعات اقتصادی کاربردی ایران (مطالعات اقتصادی کاربردی). ۵(۱۸). ۸۲-۱۰۷.

صامتی، مجید. محمدی، وحید. مظفری شمسی، هاجر و اسعدی، فریدون (۱۳۹۸). بررسی رابطه پویای ساختار مالیات و رشد اقتصادی در ایران با تأکید بر عدم قطعیت. فصلنامه مطالعات اقتصاد کاربردی در ایران. ۸(۳۲). ۱۶۱-۱۹۳.

Al- taie Bushra Fadhil Khudhair, Flayyih Hakeem Hammood, Talab Hassnain Raghieb and Hussein Noor Abbas. (۲۰۱۷). Role of Tax Havens in the Tax Revenue Development and Its Reflection on the Public Revenues of the Developing Countries: An Empirical Study in Iraq (۲۰۱۴-۲۰۰۴). Mediterranean Journal of Social Sciences. ۸(۲). ۲۸۹-۲۹۹.

Brooks, N. (۲۰۰۱). Challenges of Tax Administration and Compliance. Tax Conference, Asian Development Bank, ۱- ۳۵.

Barro, Robert J. (۱۹۹۰). Government spending in a simple model of endogeneous growth. Journal of Political Economy ۹۸(۵): ۱۰۳-۱۲۵.

Comfort Omolayo Rotimi, Naphtali John, Mathew Ekundayo Rotimi, Mishelle Doorasamy (۲۰۲۱). Assessment of the Impact of Government Revenue Mobilisation on Economic Growth in Nigeria, Journal of Economics, Business & Accountancy, ۲۴(۲), ۳۱۰-۳۲۵.

Di Sanzo, S., Bella, M. & Graziano, G. (۲۰۱۷). Tax Structure and Economic Growth: A Panel Cointegrated VAR Analysis. Ital Econ J. ۳(۱). ۲۳۹-۲۵۳.

Keller, Michael. (۲۰۲۲). Oil revenues vs domestic taxation: Deeper insights into the crowding-out effect.

Resources Policy. ۷۶. ۱۰۲۵۶۰. <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2022.102560>.

Ljudmila Nikolaevna Rudenko (۲۰۲۱). State and prospects of the Iraqi economy and foreign economic relations. Russian Foreign Economic Journal, Russian Foreign Trade Academy Ministry of economic development of the Russian Federation. (۱). ۶۰-۷۳.

Omodero, Cordelia Onyinyechi & Alege, Philip Olasupo. (۲۰۲۱). Crude Oil Resources, Tax Revenue and Sustainable Social Development in Nigeria. International Journal of Energy Economics and Policy. ۱۱(۵).



The effect of the government's revenue generation on economic growth

Abstract

The government plays the main role in the path of economic growth. Considering the role and importance of the government in macroeconomics, the way of financing the government and its adopted policies have a special place in order to achieve this goal. On the other hand, Iraq has huge oil resources, the income from these resources is one of the most important sources of income for the government. But an oil-based economy will lead to problems such as the Dutch disease, neglecting the capabilities and advantages of the country. Therefore, the gradual reduction of dependence on oil is necessary and the best income alternative is tax revenues. Therefore, the main purpose was to investigate the impact of the share of oil income and tax income on the economic growth of Iraq and to compare the share of tax income with the share of oil income on the economic growth of Iraq. In this research, the autoregression model with a wide break has been used seasonally in the period from ۲۰۰۸ to ۲۰۲۱ to investigate the objectives and assumptions. Based on the results, the first, second and third hypotheses of the research were confirmed. To put it better, both oil income and tax income have had a positive and significant effect on Iraq's economic growth, and also in support of the third hypothesis, the effect of oil income has been greater than tax income, which shows that the financing of the Iraqi government is mostly through oil income and shows that the economy of this country is dependent on oil revenues. On the other hand, the increase in government tax revenue and its effect on economic growth in the long term can be considered for long-term planning in Iraq.

Key words: tax revenue, oil revenue, economic growth.

JEL Classification: O_{F1} , O_{F2} , H_{Y1} , H_{Y2} .